رسالت

روزنامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی صبح ایران

صاحب امتیاز: بنیاد رسالت
مدیرمسئول: محسن پیرهادی
سردبیر: مسعود پیرهادی
نشانی: تهران، خیابان استاد نجات اللهی جنوبی خیابان شهید اسماعیل محمدی - پلاک ۱
کدپستی: ۱۵۹۹۹۷۶۷۱۱ | تلفن: ۱۰-۸۸۹۱۰۸۰۶
نمابر: ۸۸۹۰۶۷۸۵ | چاپ: صمیم | تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵

پنج‌شنبه
۲۵ مرداد ۱۴۰۳
۱۰ صفر ۱۴۴۶
۱۵ آگوست ۲۰۲۴
سال سی و نهم
شماره ۱۰۹۳۳

WWW.RESALAT-NEWS.COM

اوقات شرعی
اذان ظهر: ۱۲:۰۹
اذان مغرب: ۱۹:۱۳
اذان صبح فردا: ۳:۵۳
طلوع آفتاب فردا: ۵:۲۴

خوانندگان فهیم روزنامه رسالت می‌توانند پیام‌های خود را به سامانه‌های ۱۰۰۰۲۱۸۸۹۱۰۸۰۸ یا ۵۰۰۰۱۰۶۰۶۵۸۱۱۹ پیامک کرده و مسائل و مشکلات خود را بیان نمایند. بی‌صبرانه منتظر پیام‌های گرم شما هستیم.

حکمت نهج‌البلاغه

امام علیه السلام فرمود: چه بسیارند کسانی که به‌وسیله احسان الهی به آن‌ها غافلگیر می‌شوند و به سبب پرده‌پوشی خدا برآن‌ها مغرور می‌گردند و براثر تعریف و تمجید از آنان فریب می‌خورند و خداوند هیچ‌کس را به چیزی مانند مهلت دادن (و ادامه نعمت‌ها و ترک عقوبت) نیازموده است.

شاه‌بیت

هریک به جست و جویی میلی کند به سویی
جانم ز منزل تو عزم سفر ندارد...

همام تبریزی

نگاهی انتقادی به رویکرد رسانه ملی به بهانه آغاز دوباره برنامه محبوب «کتاب باز» در شبکه نمایش خانگی

کتاب، دوباره باز

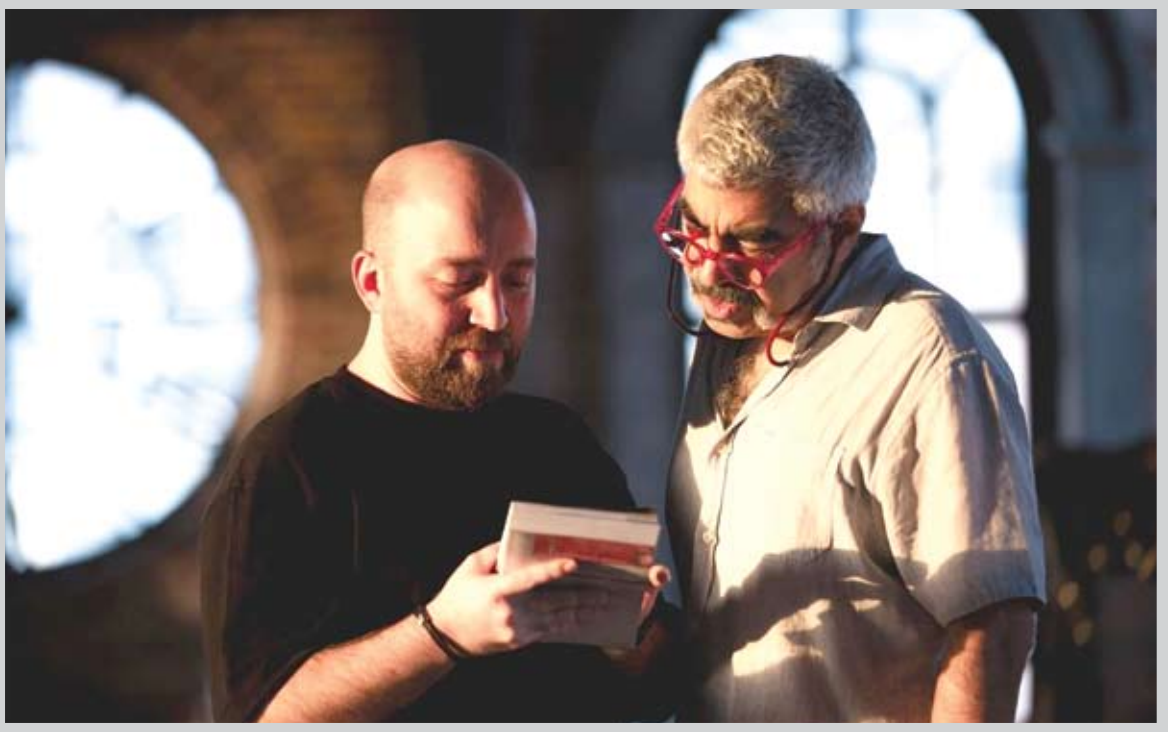

جواد شاملو

صداوسیما سال‌هاست به‌عنوان یک رسانه رسمی، جایگاهی اعتباربخش داشت. چراکه این سازمان متولی تلویزیون رسمی و ملی ایران بود. درچنین شرایطی تلویزیون تنها رسانه جمعی پرمخاطب و فراگیر در کشور به شمار می‌رفت. به این معنا یک چهره رسانه‌ای یادرتلویزیون بود و یا هیچ جای دیگر هم نبود. این شرایط خواه‌ناخواه به‌نوعی دیکتاتوری تلویزیون منجر می‌شد؛ تلویزیون می‌توانست هرکه را اراده کند، از پیش چشم مردم حذف کند. کسی که حذف می‌شد حتی اگر چهره معتبری بود نزد مردم بی‌اعتبار می‌شد؛ چون او جای دیگری برای بروز اعتبار خود نداشت. تنها عده‌ای هنرفهم می‌فهمیدند که مثلا تلویزیون با حذف فلان هنرمند، اشتباه کرد و برای او جایگزین دیگری نمی‌تواند پیدا کند و لاجرم از جذابیت برنامه‌های تلویزیونی کاسته می‌شود. تلویزیون در سال‌های گذشته در ساختار یک جامعه جمع‌گرا قرار داشت. به این معنا که نهاد اجتماعی رسمی نزد مردم جایگاه مهم‌تری از افراد به تنهایی داشتند.

اما با مدرن شدن جامعه و ظهور رسانه‌های قدرتمندی که خیلی زود جایگزین تلویزیون شده‌اند، دیگر تلویزیون چه بخواهد و چه نخواهد جایگاه اعتباربخشی خود را ازدست داده است. حالا جامعه قدری فردگراتر شده و این افراد هستند که به سازمان‌ها و نهادها و ساختارها و بسترها اعتبار می‌بخشند. اعتبار تلویزیون امروز به این نیست که تلویزیون رسمی ایران است، بلکه به چهره‌هایی است که در آن حاضر می‌شوند.

آنچه امروز سازمان صداوسیما از درک آن سرباز می‌زند همین تغییر ماهوی است. این سازمان باید بپذیرد که دیگر اینکه یک ساختار و نهاد و رسانه رسمی است کمکی به افزایش مخاطب او نمی‌کند، بلکه در عصر حاضر انسان‌ها خود تبدیل به رسانه شده‌اند. حالا اگر شخصیتی آن‌قدر جذابیت و ظرفیت داشته باشد که بتواند آدم‌ها را حول هنرش یا سخنانش یا اجرایش یا توانایی‌اش جمع کند، از طریق اینترنت و سکوهای کاربرمحور می‌تواند رسانه خودش را راه‌اندازی کند. دیگر مثل گذشته این رسانه‌ها نیستند که برند افراد را می‌سازند بلکه افراد به ساخت برند رسانه‌ها کمک می‌کنند.

تلویزیون اگر محل رفت‌وآمد شخصیت‌هایی جذاب و صاحب برند و دارای فردیت نباشد، هیچ چیز نیست. این فردگرایی شاخصه این دوره و روزمانه است اما اخلاق صداوسیما هنوز کاملا جمع‌گراست. مدیران این سازمان باید دیر یا زود به این تن بدهند که هویت صداوسیما به صورت کمرنگ و زمینه‌ای درپس زمینه آن احساس شود و در ظاهر ما با یک رسانه متکثر، چندصدا و چندرنگی مواجه باشیم. در چنین رسانه‌ای همه به منافع ملی، آرمان‌های انقلابی و ارزش‌های دینی پایبند نداما همه برنامه‌ها در مورد این منافع یا آرمان‌ها یا ارزش‌ها نیست!

بله، برنامه‌ای که در مورد کتاب است، در مورد کتاب است! در مورد دیکنز و پروست و تالستوی، در مورد پل الوار و دیکنسون، در مورد مجد همگرومهستی گنجوی و عطار و در مورد فروید و وبر و مارکس. صحبت کردن از این‌ها به معنای روشنفکری نیست، یا بی‌دینی یا لیبرال مسلک بودن یا لسکولاریسم! صحبت کردن از این‌ها به معنای تخصص است و بررسی تخصصی ادبیات و جهان فکر و اندیشه و هنر و زیبایی. اگر بخواهیم این مباحث را بی‌تعهد عنوان کنیم، پس صداوسیما دیگر از بقا هم نباید پخش کند. مثلا کجای زندگی گرگ‌ها و یا گله‌های گوزن وحشی در شرق گرین‌لند ما را به یاد اهداف متعالی صداوسیما می‌اندازد؟

عدم درک فردگرایی و همچنین نپذیرفتن تنوع و تکثر برنامه‌ها تا حدی که طبیعت آن‌ها اقتضا می‌کند برآمده از دو نوع غرور است. هم غرور ناشی از تولی رسانه رسمی و هم غرور ایدئولوژیک که حاصل ایده یک دست‌سازی قدرت است. این دو نوع غرور باعث می‌شود تلویزیون نفهمد که مردم تلویزیون نمی‌بینند، سروش صحت می‌بینند. سروش صحت را فقط چون از کتاب سخن می‌گوید نمی‌بینند، چون سروش صحت است می‌بینند. نه مضمون آدم‌ها را جذب می‌کند نه رسانه، این شخصیت است که آن‌ها را جذب می‌کند.

برنامه «کتاب باز» سروش صحت که در فضای تبلیغ کتابخوانی مطلقا بی‌نظیر بود، بدون هیچ دلیل موجهی که مردم آن را بشنوند از رسانه ملی حذف شد. آنچه مردم را ناامید می‌کند، پاسخ‌های بد به سؤالات آن‌ها نیست؛ بلکه همین پاسخ ندادن است. اگر ما هم چیزهایی شنیده‌ایم از محافل غیرعمومی بوده‌است. کتاب باز از تلویزیون حذف شد اما سروش صحت هیچ‌گاه حذف نشد. سال گذشته صحت رفت کانادا تا اجرایی باحال و هوای کتاب باز داشته باشد. عصر ایران می‌نویسد: «این برنامه سروش صحت در شهر نوکوور کانادا برگزار شده و با استقبال ایرانیان هم مواجه شده‌است، یکی از حاضران در جلسه توییت زده بود: «سروش صحت امروز در سالن اورگرین کوکیتلام، دو ساعت حرف زد و کتاب خواند و هیچ‌کس خسته نشد.» برنامه کتاب باز در این سوی کره زمین هم تأثیر عجیبی روی مخاطبانش گذاشته و آن‌ها را یک‌دل و مهربان کرده بود. این برنامه روز ۱۰ نوامبر (۱۹ آبان) برگزار شده بود و نکته جالب توجه این است که در تبلیغ آن نوشته شده بود: نشست صمیمی با سروش صحت به سبک برنامه کتاب باز و باز جالب است که سالن این اجرا به اصطلاح غربی‌ها سولد اوت (soldout) شده بود، یعنی تمام بلیت‌های آن فروخته شده است.»

سپس اتفاقی که به‌شدت پیش‌بینی می‌شد رخ داد و تیم کتاب باز به سراغ شبکه نمایش خانگی رفت. برنامه‌ای که می‌توان موفقیت آن را پیشاپیش تضمین‌شده دانست. در دوره ما، شخصیت‌ها جز با یک استبداد همه‌جانبه قابل حذف نیستند.

کتاب باز به روایت فیلیمو

به گزارش فیلیموشات، کتاب باز با اجرای سروش صحت جزء برنامه‌های پرمخاطب چندسال اخیر تلویزیون بود که به زودی با تغییرنام از فیلیمو پخش خواهد شد. چه خبر خوبی برای کتاب‌خوان‌ها، کتاب باز‌ها و آن‌هایی که اهل کتاب و مطالعه و آگاهی واندیشه‌اند و چه تمهید مدبرانه و فضیلت مدارانه‌ای که یک پلتفرم جایی برای یک برنامه فرهنگی اثرگذار باز کند و در کنار تولید سرگرمی به بازتولید آگاهی هم دست بزند. این برنامه قرار است با شمائل فرمتی تازه و جدید آماده پخش از فیلیمو شود. کتاب باز که از نیمه دهه نود پخش خود را در تلویزیون آغاز کرد، تا پایان این دهه طی ۶ فصل اصلی و دوسری ویژه برنامه ماه رمضان، روی آنتن شبکه نسیم رفت، اما بعد از آن پخش این برنامه به صورت ناگهانی متوقف شد و دیگر خبری از عنوان کتاب باز در صداوسیما نبود. به‌نظر می‌رسد فصل جدید برنامه کتاب باز در فضایی بازتر و بدون ملاحظات و خط قرمزهای تلویزیون پخش شود و این می‌تواند طیف بیشتر و متنوع‌تری از مخاطبان و علاقه‌مندان حوزه کتاب را با خود همراه کند و این فرصت طلایی برای اهل فکر و فرهنگ است تا دوباره و چه بسا این بار پربارتر پای یک برنامه اثرگذار و جریان‌ساز بنشینند و از تماشای آن هم لذت ببرند و هم معرفت کسب کنند.

این چهارمین حضور چهره‌های مؤثر برنامه‌ساز تلویزیون در فیلیمو است؛ بعد از مهران مدیری، علی درستکار و داریوش فرضایی که با «اسکار»، «گل یا پوچ»، «لالایی» و «سپنج» در شبکه نمایش خانگی فعال شدند حالا نوبت به سروش صحت رسیده تا در فیلیمو برنامه‌سازی کند. شاید تفاوت او در این است که همان برنامه قبلی‌اش را با فرمت تازه جلوی دوربین می‌برد تا نوستالژی کتاب بازها را به یک فرصتی نو بدل سازد. برنامه‌ای که با هدف و رویکرد انگیزشی و اطلاع‌رسانی درباره کتاب و مطالعه تولید شده که البته صرفا برای مخاطب خاص نیست و رویکرد نخبه‌گرایانه ندارد اما ظرفیت و ظرافت‌های آن برای جذب مخاطب نخبه و قشر فرهیخته‌تر جامعه هم به‌قدری است که می‌توانند از تماشای این برنامه لذت ببرند.

کتاب باز ابزار و رسانه‌ای است برای فرهنگ‌سازی و ارتقاء فرهنگ عمومی که درنهایت یادگیری و تغییر را به‌مثابه هدف غایی خود دنبال می‌کند نه صرفا معرفی کتاب و برانگیختن به مطالعه. حتی می‌توان ردپای فرهنگ‌شناسی را در آن جست‌وجو کرد. واقعیت این است که ساختار کتاب باز یک ساختار باز و منعطف است که قابلیت تطبیق، پذیرش و پردازش سوژه در آن متناسب با رخدادها و واقعیت‌های متنوع اجتماعی را داشته و با آن مماس می‌شود. به عبارت دیگر ظرفی است که مظروف‌هایی گوناگون را می‌تواند در خود جای داده و به قالب خود درآورد. این یعنی هویت‌مندی یک برنامه که دچار ملال تکرار نمی‌شود و با بازنگری و بازسازی فرم و محتوی خود، پیام و معنای خود را بازآفرینی کرده و قابلیت تأثیرگذاری آن را حفظ می‌کند. شاید مهمان‌هایی که به این برنامه دعوت می‌شوند در برنامه‌های دیگر هم حضور داشته باشند اما چون این برنامه موضوع محور است نه شخصیت محور، گفت‌وگوها و مصاحبت‌های آن‌ها با مجری، شمایل و شاخصه‌های دیگری پیدا می‌کند که هم به دل می‌نشیند هم ذهن را می‌گشاید. گرچه باید منتظر بود و دید که ساختار جدید برنامه چه تغییراتی می‌کند و چه آیتم‌هایی در آن کم و زیاد می‌شود اما قطعا شاکله اصلی آن تغییر اساسی نمی‌کند و باز هم می‌توان پای نویسندگان و مترجمان و ناشران و شاعران و هنرمندان و اهالی فرهنگ و هنر و اندیشه نشست و از کتاب و کتابخوانی شنید. گفت‌وگوهای کتاب باز نه برای سرگرمی که برای آگاهی است و این ویژگی آن را شبیه به مصاحبه‌های حرفه‌ای ژورنالیستی می‌کند.

نمی‌توان از مؤلفه‌ها و عناصر این برنامه گفت اما به نقش بی‌بدیل سروش صحت که همچون نخ تسبیح همه این اجزا را به هم وصل کرده و هویت یگانه می‌بخشد لحاظ نکرد. کتاب باز گرچه جذابیت و اعتبارش به محتوا و ساختار و فرم و پیامش وابسته است اما همه این‌ها را مدیون حضور و اجرای خوب سروش صحت در مدیریت و هدایت این برنامه است. حالا اوباکوله باری از تجربه در اجراهای پیشین این برنامه، فصل جدیدی از کتاب باز را می‌گشاید تا چشم مخاطب به سوی آگاهی گشوده باشد.

یادداشت

ارکستر سمفونیک ملبورن اجرای پیانیست را پس از تقدیم به خبرنگاران کشته‌شده در غزه لغو کرد

مقاومت استرالیا در برابر هنر آزاده

گروه فرهنگی

ارکستر سمفونیک ملبورن (MSO) پس از لغو اجرای یک پیانیست مطرح که قطعه‌ای را به خبرنگاران کشته شده در غزه تقدیم کرده بود، جنجال به پا کرده است. پیانیست استرالیایی-بریتانیایی جیسون گیلهام قرار بود موارت و براهمس را در هال شهرداری ملبورن اجرا کند، اما نام او در روز سه شنبه از وب سایت MSO حذف شد. MSO علت این لغو را سخنان مقدماتی گیلهام در کنسرت پیشین روز یک شنبه اعلام کرد.

در کنسرت یک شنبه در سالن آیواکی در ساوت بنک، گیلهام قطعه‌ای پنج دقیقه‌ای به نام «شاهد» از کونردی نتو را به خبرنگاران غزه تقدیم کرد. در مقدمه خود، گیلهام به از دست دادن تراژیک بیش از ۱۰۰ خبرنگار فلسطینی در درگیری‌های جاری اشاره و تأکید کرد که کشتن خبرنگاران جنایت جنگی است. او همچنین به کلمه عربی «شهید»، که به معنای «شاهد» و «شهید» است، توجه داد.

MSO در ایمیلی به مخاطبان خود بیان کرد که سخنان گیلهام «دخالت دیدگاه‌های سیاسی شخصی» بود و ارکستر «استفاده از صحنه ما به‌عنوان پلتفرمی برای بیان دیدگاه‌های شخصی را تأیید نمی‌کند.» آن‌ها همچنین ادعا کردند که اظهارات گیلهام «ناراحتی» ایجاد کرده است.

با این حال، تصمیم MSO با انتقادات مواجه شده است. ناهد الرایس، نویسنده و آهنگساز فلسطینی-استرالیایی که در کنسرت یک شنبه حضور داشت، اشاره کرد که

گیلهام در همان کنسرت، درباره پیشینه سیاسی قطعه‌ای از جورج لیگتی، بازمانده هولوکاست، نیز صحبت کرده است. این موضوع نشان می‌دهد که موضع MSO در برابر نظرات سیاسی ممکن است انتخابی باشد.

انجمن رسانه، سرگرمی و هنرهای (MEAA) نگرانی خود را درباره لغو این اجرا اعلام کرد و بیان کرد که «متأسف» است که به گزارش‌ها «گیلهام به دلیل بیان ساده یک دیدگاه شخصی» درباره درگیری‌های غزه-اسرائیل «مجازات شده است». این اتحادیه همچنین ادعا کرد که با موسیقیدانان MSO در مورد این تصمیم مشورت نشده است.

MEAA تأکید کرد که بیان هنری و موسیقیایی همواره وسیله‌ای برای بیان نظرات سیاسی و لنزی برای بررسی جهان بوده است. آن‌ها نگران هستند که آزادی بیان در میان نیروی کار خلاق در معرض خطر قرار گرفته است.

ارتش اسرائیل ادعا کرده است که «هیچ سیاستی برای هدف قرار دادن کارکنان رسانه» در غزه وجود ندارد، اما همچنین بیان کرده است که تفاوتی میان بال نظامی حماس و کسانی که برای شبکه رسانه‌ای الاقصا کار می‌کنند، که به طور گسترده به‌عنوان شبکه رسمی آن شناخته می‌شود، نمی‌بیند.

درگیری در غزه به مرگبارترین درگیری برای خبرنگاران در تاریخ اخیر تبدیل شده است، به‌طوری که کمیته برای حمایت از خبرنگاران مستقر در آمریکا حداقل ۱۱۳ کشته شدن خبرنگاران و کارکنان رسانه فلسطینی را ثبت کرده است.

لغو اجرای گیلهام بحثی را درباره نقش هنر و موسیقی در مواجهه با مسائل سیاسی ایجاد کرده است. درحالی که MSO معتقد است که صحنه آن‌ها نباید برای بیان دیدگاه‌های شخصی استفاده شود، منتقدان استدلال می‌کنند که بیان هنری اغلب با واقعیت‌های سیاسی تلاقی دارد و خاموش کردن چنین صداهایی برای آزادی بیان مضر است. این حادثه ارتباط پیچیده میان هنر، سیاست و حق آزادی بیان را، به‌ویژه در زمینه یک درگیری بسیار حساس و جنجالی، برجسته می‌کند.

مهدی رمضانی، دبیرکل نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور:

در دولت شهید رئیسی حرکت عملی به سوی «کتابخانه به‌عنوان پایگاه فرهنگی-اجتماعی» شکل گرفت

نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور به‌عنوان یک نهاد مستقل در حوزه ساخت کتابخانه و نظارت بر آن، خرید کتاب و فراهم کردن دسترسی بیشتر و سهل‌تر مخاطبان کتاب دوست به کتاب است.

به بهانه پایان کار دولت سیزدهم و باروی کار آمدن دولت چهاردهم گپ‌وگفتی دوساعته با مهدی رمضانی دبیرکل نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور داشتیم تا از فعالیت‌های نهاد کتابخانه‌ها در زمینه‌های مختلف مطلع شویم. در این گفت‌وگو درباره خرید کتاب از ناشران توسط نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، بودجه، سند ملی خواندن، معیشت کتابداران، تجهیز کتابخانه‌ها، افزایش کتابخانه‌های سیار و غیره صحبت کردیم. مشروح این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید:

آقای رمضانی به‌عنوان سؤال اول کمی درباره چالش‌های دوره‌ای که به‌عنوان دبیرکل در نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور مستقر بودید توضیح دهید؟

بنده پیش از اینکه این مسئولیت را تحویل بگیرم، معاون توسعه کتابخانه‌ها و ترویج کتاب خوانی نهاد بودم؛ البته ساحت، شرایط، اقتضائات دولت‌ها و موقعیت‌ها متفاوت است. یعنی شما اگر معاون دستگاهی باشید قاعدتا در جریان موضوع‌های مختلف هستید اما خیلی موضعتان، نسبت به زمانی که مسئولیت آن مجموعه را برعهده دارید، متفاوت است. در ابتدای برعهده گرفتن مسئولیت، حوزه تخصصی بنده بخش محتوایی نهاد کتابخانه‌ها بود؛ جنس این مسئولیت اجرا بود و خیلی از مسائل که در حوزه ساختاری، مالی و اداری وجود دارد متوجه ما نبود البته ما در این باره هم تلاش کردیم و برنامه داشتیم.

زمانی که به‌عنوان سرپرست نهاد کتابخانه‌ها منصوب شدم، در شروع کار نامه‌ای به دکتر اسماعیلی به‌عنوان وزیر فرهنگ و رئیس هیئت امنا نوشتم و نکات، معضلات و مسائل نهاد، مانند منابع مالی و ساختار، را خدمتشان منتقل کردم؛ البته به‌دلیل اینکه تنشی به مجموعه وارد نشود نامه را در آن زمان محرمانه ارسال کردم اما الآن محرمانگی ندارد.

یکی از مباحث جدی که وجود داشت مسئله مالی نهاد بود؛ همچنین بحث حقوق و دستمزد و معیشت کتابداران، بحث بودجه عمرانی نهاد نیز مهم بود. برای شروع کار هم پیگیر اصلاح قانون تأسیس نهاد کتابخانه‌ها و آیین‌نامه اجرایی آن شدیم.

به خاطر دارم بعد از انتصاب، آقای اسماعیلی یک جلسه درباره قانون تأسیس نهاد و آیین‌نامه اجرایی آن برگزار کردند که معاونان وزارتخانه در آن حضور داشتند. یکی از اولین حکم‌هایی که زدم شکل‌گیری کارگروه اصلاح قانون و آیین‌نامه اجرایی و ساختار نهاد بود که آن را مسئله اصلی نهاد می‌دانستم، طبق برنامه‌ریزی خوب پیش رفتیم اما به سرانجام نهایی نرسید.

چه‌طور؟

قانون در کمیسیون فرهنگی مجلس یازدهم تصویب شد. اما مجلس یازدهم پس از برنامه هفتم تمام شد و قرار شد در مجلس جدید اصلاح این قانون مطرح شود. اخیرا هم که با دکتر قالیباف صحبت کردم، گفتند که امکان طرح این مسئله در اوایل همین مجلس وجود دارد. ما اگر می‌خواهیم مسئله حوزه کتابخانه‌های عمومی در کشور حل شود باید به‌عنوان اولین اقدام قانون تأسیس نهاد اصلاح شود.

این قانون اگرچه دارای ایرادات ساختاری است که باید اصلاح شود اما قانون مترقی‌ای است. ما باید تصمیم بگیریم که چطور می‌خواهیم ساختار کتابخانه‌های عمومی کشور را اداره کنیم؟

نکته بعدی آیین‌نامه اجرایی قانون تأسیس نهاد است که مطابق آخرین صحبت‌ها با شهید رئیسی و وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به جمع‌بندی رسیده بودیم اما با شهادت رئیس جمهور متوقف شد. با اختلاف نظر سازمان اداری و استخدامی یک بار به صحن دولت رفت و برگشت و مقرر شد اصلاح شود که تا این اواخر و بعد از جابه‌جایی دولت هم پیگیر بودیم که جلسه‌ای داشته باشیم، خیلی از نکات آن حل شد اما به تصویب نهایی نرسید. مسائل مالیاتی نیز در سطح وزرای اقتصاد و فرهنگ پیگیری شد. به طورکلی هیچ‌یک از این مباحث به این دوره مدیریتی مربوط نمی‌شود.

نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور پیش از این مسئله فرهنگی کشور یا دولت محسوب نمی‌شد؛ نه تنها در اولویت نبود بلکه در فهرست مسائل هم، پرداختن به حوزه کتابخانه‌های عمومی وجود نداشت. برای مثال بسیاری از استانداران پیش از شناخت دقیقی از ساختار کتابخانه‌های عمومی نداشتند.

شهید رئیسی هم در بزرگداشت روز کتاب، کتابخوانی و کتابدار سال ۱۴۰۱ در جمع کتابداران حاضر شدند و هم دو پیام به حوزه کتابخانه‌های عمومی دادند؛ یکی پیام به همایش بین‌المللی کتابخانه‌های عمومی و کسب‌وکارهای کوچک و خانگی در مهرماه ۱۴۰۲، دیگری هم به فاصله یک ماه به‌روز کتابدار همان سال. پس از حضور ایشان در میان کتابداران یک دستور دوبندی راجع به دسترسی به کتاب و معیشت کتابداران صادر شد. در سال ۱۴۰۲ نیز در هفته کتاب رئیس جمهور شهید یک دستور چهاربندی صادر کردند. حضور در نمایشگاه کتاب و بازدید از غرفه نهاد کتابخانه‌ها، صحبت از کتابخانه مرکزی در پایان سفر استانی کردستان یا اشاره به کتابخانه عمومی به‌عنوان یک مبنای دسترسی عادلانه فرهنگی در آخرین گفت‌وگوی تلویزیونی با مردم، مواردی است که در هیچ دولتی سابقه نداشته است.

بنابراین توجه به کتابخانه‌های عمومی کشور چندضلع داشت؛ ابتدا اهتمام رئیس جمهور به این حوزه بود، همچنین حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و توجه دادن اعضای هیئت دولت نیز مهم بود که ما در این دوره چندین مصوبه در دولت داشتیم، درحالی که نهاد کتابخانه‌ها از ابتدای تأسیس مصوبه قابل توجهی به غیر از آیین‌نامه اجرایی و نکات اداری آن نداشت.

در خیلی از مصوبات هم نهاد کتابخانه‌ها اضافه شد؛ مثلا در معافیت بیمه کارگران ساختمانی حوزه کتابخانه‌ها قید شد. در حوزه سیاسی نیز هم ترازی دبیرکل نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور با مقامات قانون مدیریت خدمات کشوری انجام شد که تصویب آن در ساختار اداری و سیاسی کشور مهم است.

به بیان دیگر وقتی رئیس جمهور به یک حوزه توجه می‌کند، توجه دولت را به آن حوزه جلب می‌کند. البته این ظرفیت در کشور شناخته، ترویج و تبیین شد. ما قبلا هم تجربه تشکیل صف در کتابخانه را بعد از افتتاح کتابخانه مرکزی مشهد داشتیم یا در کتابخانه‌های مرکزی یزد، مرکزی خرم‌آباد و شهید سلیمانی شهر سهند. امسال نیز کتابخانه شهید دستغیب پس از بازطراحی بازگشایی شد و همین اتفاق تکرار شد. در همین ایام یک کتابخانه روستایی در بابل افتتاح شد که بچه‌ها برای حضور در آن و عضویت صف بسته بودند. این‌ها نشان‌دهنده این است که این ظرفیت شناخته شد و حرکت عملی به سوی «کتابخانه به‌عنوان پایگاه فرهنگی-اجتماعی» شکل گرفت.

همه این اقدامات یک‌به‌یک و مرحله به مرحله به سرانجام رسیده است. برای مثال مراکز مشاوره‌ای که با همکاری کمیته امداد در حال راه‌اندازی است، به ۵۰۰ مرکز در کتابخانه‌های عمومی می‌رسد و یا موضوع کسب‌وکارهای کوچک و کتابخانه عمومی که همایش ورویدادهای بسیاری داشت. در همین ماه بیش از صد نفر همکاران سراسر کشور در مدرسه تابستانی کتابداران در اردبیل شرکت کردند و همه بعد از پایان دوره، مسئول ترویج و تبلیغ این حرکت می‌شوند.

در بخش بین‌الملل نیز ما سال گذشته میزبان چند شخصیت مهم در حوزه کتابخانه‌ای در تهران، مشهد و شهرهای دیگر بودیم که از ظرفیت کتابخانه‌های عمومی جمهوری اسلامی ایران بازدید کردند و همین امر منجر به ارتباطات و تعاملات بین‌المللی شده است. حضوری هم در کنگره سراسری کتابخانه‌های روسیه در کازان داشتیم که حادثه شهادت رئیس جمهور و همراهان پیش آمد و سفر را یک روزه رها کردیم و برگشتیم؛ اما در همان فرصت کوتاه از این حضور استقبال می‌کردند. در دیدار وزیر فرهنگ تاتارستان، رئیس انجمن کتابخانه‌های روسیه و رئیس کتابخانه سن‌پترزبورگ برای تعامل مشتاق بودند. با سفیر عربستان نیز دیداری داشتیم که برای گسترش همکاری‌ها اعلام آمادگی کرد. در مجموع تعاملات بین‌المللی توسعه پیدا کرد.

عضویت ما به صورت پایدار در ایفلا، عضویت در کمیته‌های وابسته و دریافت کرسی نشان دهنده این ظرفیت است. مهمانان خارجی نیز به این اذعان داشتند که ظرفیت جمهوری اسلامی ایران در حوزه کتابخانه‌های عمومی که دارای دو محور شبکه، که دسترسی را ایجاد می‌کند، و دیگری توسعه خدمات چشمگیر است. آنچه که از آن به‌عنوان توسعه خدمات صحبت می‌کنیم هم گسترش پیدا کرده و هم بر کیفیت افزوده شده؛ البته هنوز تا نقطه ایده‌آل فاصله داریم چون ما یک ظرفیت قدیمی داریم که نیازمند به روزرسانی است که آن را هم شروع کردیم.

در سفرهای استانی شهید رئیسی نیز کتابخانه‌های عمومی به مصوبات الحاق شد و مورد تأیید قرار گرفت.

بحث بازسازی و بازطراحی کتابخانه‌های عمومی در طول این سال‌ها چطور پیش رفته؟

این بحث هم به مواردی که پیش از این گفته شد اضافه شده است؛ طوری که در دور اول سفرهای استانی رئیس جمهور اختصاص اعتبار برای تکمیل پروژه‌های نیمه‌تمام را داشتیم، در دور دوم بازطراحی کتابخانه‌های موجود و در مرحله سوم خرید کتاب برای کتابخانه‌های عمومی نیز در مصوبات لحاظ شده بود. امیدوارم در دولت چهاردهم هم این مسیر ادامه پیدا کند؛ چون اگر دولت سیزدهم تداوم پیدا می‌کرد نتایج عملی بسیاری از این پروژه‌ها آشکارمی‌شد. پیش‌بینی کرده بودیم تا پایان سال ۱۴۰۳ با روند موجود بیش از ۱۵۰ پروژه به بهره‌برداری می‌رسد.

اغلب پروژه‌های کتابخانه مرکزی استان‌ها، که تا قبل از این متوقف مانده بودند، فعال شد؛ برای مثال کتابخانه مرکزی استان مرکزی در اراک، استان گیلان در رشت، استان مازندران در ساری، استان هرمزگان در بندرعباس و استان کرمانشاه پروژه‌هایشان فعال شده و در آستانه تکمیل است.

همچنین از شهادت رئیس جمهور تا کنون ۲۰ پروژه کتابخانه‌ای در کشور به بهره‌برداری رسید؛ مثل کتابخانه شهر آبیر استان زنجان یا کتابخانه شهر قروه استان کردستان که از مصوبات سفر استانی رئیس جمهور بود.

مثال دیگری بزنم. در حال حاضر چالشی در زمینه سواد در کشور داریم؛ یعنی نرخ بی‌سوادی کمی رشد داشته است. تا قبل از این نهضت سوادآموزی این بار را به دوش می‌کشید اما این ظرفیت وجود دارد که کتابخانه‌ها وارد این حوزه شوند بدون اینکه نیاز به ایجاد یا احیای شبکه‌ای جدید باشد. اساسا کار کتابخانه عمومی سوادآموزی و اطلاع‌رسانی به معنی عام و خاص است.

در حوزه کودک و نوجوان نیز تمرکز خوبی صورت گرفت؛ به صورت جدی در این حوزه وارد شدیم و به صورت هدفمند عنوان «هدهد سفید» را برای آن قرار دادیم. کتابخانه‌های هدهد سفید، ویژه کودکان، را شکل داده و افتتاح کردیم. برنامه تلویزیونی هدهد سفید را ساختیم و از شبکه پویا پخش شد. جایزه نشان هدهد سفید برای کتاب محبوب کودکان و نوجوانان را ادامه دادیم. کتاب هدهد سفید هم با مشارکت اعضای نوجوان کتابخانه‌های عمومی برای خودشان تولید می‌شود. محافل قرآنی با رویکرد کودک و نوجوان را در کتابخانه‌ها داشتیم که اقدام اخیر آن طرح کتابت قرآن کریم بود که با استقبال مواجه شد. قله این توجه به حوزه کودک و نوجوان، دستور رئیس جمهور برای ایجاد «زنگ کتابخوانی» در مدارس بود که اجرانشده بود و تأیید و تأکید آن در سند ملی خواندن است. اساسا اگر بخواهیم مسئله خواندن، مطالعه و مراجعه به کتاب را در بین مردم پیش ببریم، در مدرسه اتفاق خواهد افتاد. توجه به گروه‌های خاص، مثل نابینایان و ناشنوایان، هم انجام شد که البته ناشنوایان ابداع این دوره است.

با این توضیحات مأموریت نهاد محدود به نظارت بر کتابخانه‌ها و خرید کتاب نیست.

ما با این کار سبب احیای مأموریت اصلی کتابخانه‌های عمومی شدیم. مأموریت جدیدی برای کتابخانه‌های عمومی تعریف نکردیم و براساس ساختار جهانی آن را مدیریت کردیم. پیش از این، این تصور وجود داشت که کتابخانه عمومی یک مخزن و سالن مطالعه است. و گفته می‌شد که کتابخانه‌ها تبدیل به قرائت خانه شده و فقط برای مطالعه به آن مراجعه می‌شود و بی‌توجهی نسبت به آن وجود دارد؛ یا اینکه کتابخانه یک محل بی‌آب و رنگ و بی‌روح است. بنابراین باز هم تأکید می‌کنم که مأموریتی خارج از صلاحیت کتابخانه اجرا نکردیم و تلاش کردیم آنچه وظیفه کتابخانه بوده است را معرفی کنیم.

در حال حاضر با تلاش دیگران تصویر قدیمی از کتابخانه تغییر کرده و مسئولان و مردم به این نکته تأکید دارند. البته ما برای اصلاح این تصویر باید تلاش بیشتری انجام دهیم؛ چون بعضا افراد مهم و مؤثر این حوزه از این خدمات بی‌اطلاع هستند. نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور یک مرکز خدماتی است که به طبقه و قشری خدمات ارائه می‌دهد که شاید در ساحت‌های دیگر کشور حاضر نباشند. در شرایط کنونی بچه‌های دهه ۸۰ و ۹۰ در کتابخانه حضور دارند و در بسیاری از شهرها کتابخانه محل مطالعه درس و کنکور است.

نکته

میکرو-درام‌ها؛ موجی نوین در تبلیغات گردشگری

گروه فرهنگی

در دنیایی که به شدت توسط محتوای دیجیتال تسخیر شده است، چین رویکرد منحصربه‌فردی را در زمینه تبلیغات گردشگری فرهنگی در پیش گرفته است: میکرو-درام‌ها. این ویدئوهای کوتاه و جذاب که اغلب شامل شخصیت‌های تاریخی یا افسانه‌های محلی هستند، به ابزاری قدرتمند برای به نمایش گذاشتن میراث فرهنگی غنی شهرها و مناطق مختلف تبدیل شده‌اند.

پروژه «سفر با میکرو-درام» اداره رادیو و تلویزیون ملی تا کنون ۳۱ میکرو-درام را انتخاب کرده که هرکدام نگاهی متفاوت به جنبه‌های مختلف فرهنگ چینی ارائه می‌دهند. از زندگی شهری پررفت‌وآمد دینگژو که در آن میکرو-درام «سلام، سودونگپو» بینندگان را با شاعر معروف سوشی به سفری در زمان همراه می‌کند، تا اسرار کهن سانسینگ دوئی که در مجموعه کوتاه «سانسینگ دوئی: آشکارسازی آینده» به صورت هوش مصنوعی منعکس شده است، این میکرو-درام‌ها مخاطبان را مجذوب خود کرده و علاقه به کشف مکان‌های به تصویر کشیده شده را برانگیخته‌اند. موفقیت این میکرو-درام‌ها تنها به سرگرمی محدود نمی‌شود. آن‌ها به طور استراتژیک طراحی شده‌اند تا عناصر فرهنگی و گردشگری را با هم ترکیب کنند و با استفاده از قدرت روایت، داستانی جذاب و تأثیرگذار ایجاد کنند. این رویکرد به ویژه در معرفی مقاصد کم‌شناخته‌تر و به نمایش گذاشتن پیشنهادهای فرهنگی منحصربه‌فرد مناطق مختلف موفق بوده است.

الگوی «میکرو-درام به‌علاوه گردشگری فرهنگی» به دلیل هزینه کم و انعطاف‌پذیری آن بسیار جذاب است. برخلاف فیلم‌ها یا بازی‌های سنتی که